

فریدا کالو
نقاش
سوررئالیست
شیرین خادمی

مقدمه: در میان نقاشان مطرح در تاریخ هنر، کمتر می‌توان نام هنرمندان زن را یافت. آنچه که در سراسر کتاب‌های تاریخ هنر یافت می‌شود اغلب بررسی و سیر تحول آثار هنرمندان مرد است. هر چند در این میان می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که از آغاز قرن بیستم و مخصوصاً در اواخر این قرن و با ظهور جنبش‌های گوناگون نام هنرمندان مطرح زن بیش از گذشته در عرصه هنر به چشم می‌خورد، هنرمندانی که توانسته‌اند گاه حتی بیش از مردان در این عرصه پیشتازی کنند و آثاری عمیق‌تر از آنها در بین بگذرانند. مخصوصاً هنگامی که هنرمند زن بخواهد، فارغ از آنچه در دنیای بیرون می‌گذرد صرفاً حالات درونی و روحیات خود را به تصویر بکشد.

یکی از این هنرمندان زن، فریدا کالو - Fridakahlo - (۱۹۵۴ - ۱۹۰۷)، نقاش

مکزیک است. او نقاشی را از هنگامی آغاز کرد که از تصادف اتومبیل در سن ۱۷ سالگی جان سالم به در برد. زندگی او سراسر آکنده از درد و رنج می‌باشد.

حاصل عمر کوتاهش ۲۵۰ اثر نقاشی می‌باشد که بیشتر پرتره شخصی است و اغلب دارای اندازه کوچک، سبک ابتدایی و فانتزی بودند و اینها به بیننده کمک می‌کند تا از موضوع فجیع و هولناک اکثر این نقاشی‌ها فاصله بگیرد.

پس از ازدواج با دیگوریورا (Diego Rivera) نقاش معروف مکزیک، بی‌وفایی‌ها و خیانت‌های او بود که او را بیش از پیش رنجور و افسرده ساخت تا سرانجام در روز ۱۳ جولای سال ۱۹۵۴، به زندگی پر درد خود (با احتمال قریب به یقین به وسیله خودکشی) خاتمه داد.

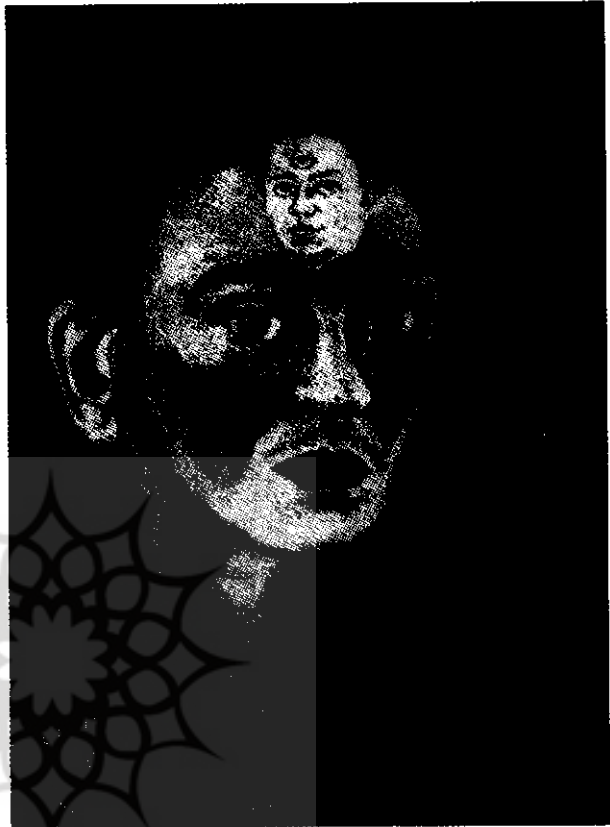
هنر کالو به مقدار زیاد از حمایت دیگوریورا تأثیر گرفته بود. با در برداشتن ریشه‌های اصیل مکزیک به بسیاری نقاشان مکزیک بعد از انقلاب نیز الهام بخشید. در سال‌های بعد او به شیوه هنر مردمی مکزیک کار می‌کرد. آندره برتون منتقد معروف کالو را به عنوان یک نقاش سوررئالیست معرفی کرد در حالی که او خود هیچگاه این را قبول نکرد چرا که معتقد بود او واقعیات زندگی خودش را نقاشی می‌کند. این که آثار فریداکالو جزو کدام سبک و گروه از هنرمندان قرار می‌گیرد و این قضاوت که آیا جزو نقاشان سوررئالیست قرار می‌گیرد یا نه به عهده خواننده گذاشته می‌شود.

به راستی فریداکالو را جزو کدام گروه از نقاشان می‌توان قرار داد؟

هنگامی که با آثار این هنرمند روبه‌رو می‌شویم نوعی فراواقع‌گرایی در نگاه اول توجه ما را به خود جلب می‌کند. علاوه بر آن همواره خصلتی سنت‌گرایانه همراه با اصول واقع‌گرایانه نیز در آثار او به چشم می‌خورد. منتقدین نظرات متفاوتی در مورد آثار او ابراز کرده‌اند عده‌ای مانند آندره برتون منتقد معروف او را جزو هنرمندان سوررئالیست قرار می‌دهند. عده‌ای او را پیرو هنر بومی مکزیک و آن‌چه "Retablo" نامیده می‌شود می‌دانند. عده‌ای معتقدند که او هنرمندی است که زندگی‌نامه‌اش را به طرز جوهری و ماهیتی به تصویر کشیده است و از این لحاظ جزو معتبرترین هنرمندان قرن بیستم قرار می‌گیرد. همچنین او مانند بسیاری از هنرمندان دهه بعد از انقلاب مکزیک در سال ۱۹۱۷، از موج خروشان ناسیونالیسم که با عنوان "Mexicanidad" شناخته شده تأثیر گرفته است.

اجتناب کالو از الگوهای اروپایی، شخصیت ساده و بی‌پیرایه‌اش، پرداختن او به موضوع‌های خیالی و حالت زنده بودن رنگ‌هایش همگی از هنر بومی مکزیک تأثیر گرفته است. خود او نیز اغلب لباس‌های سنتی می‌پوشید و موهایش را به طرز آرایش می‌کرد تا هویت فرهنگی اصیل مکزیک را در خود بیان کند.

پرداختن زیاد او به تصویر خود در نقاشی‌هایش و انتخاب موضوع‌هایی زنانه باعث

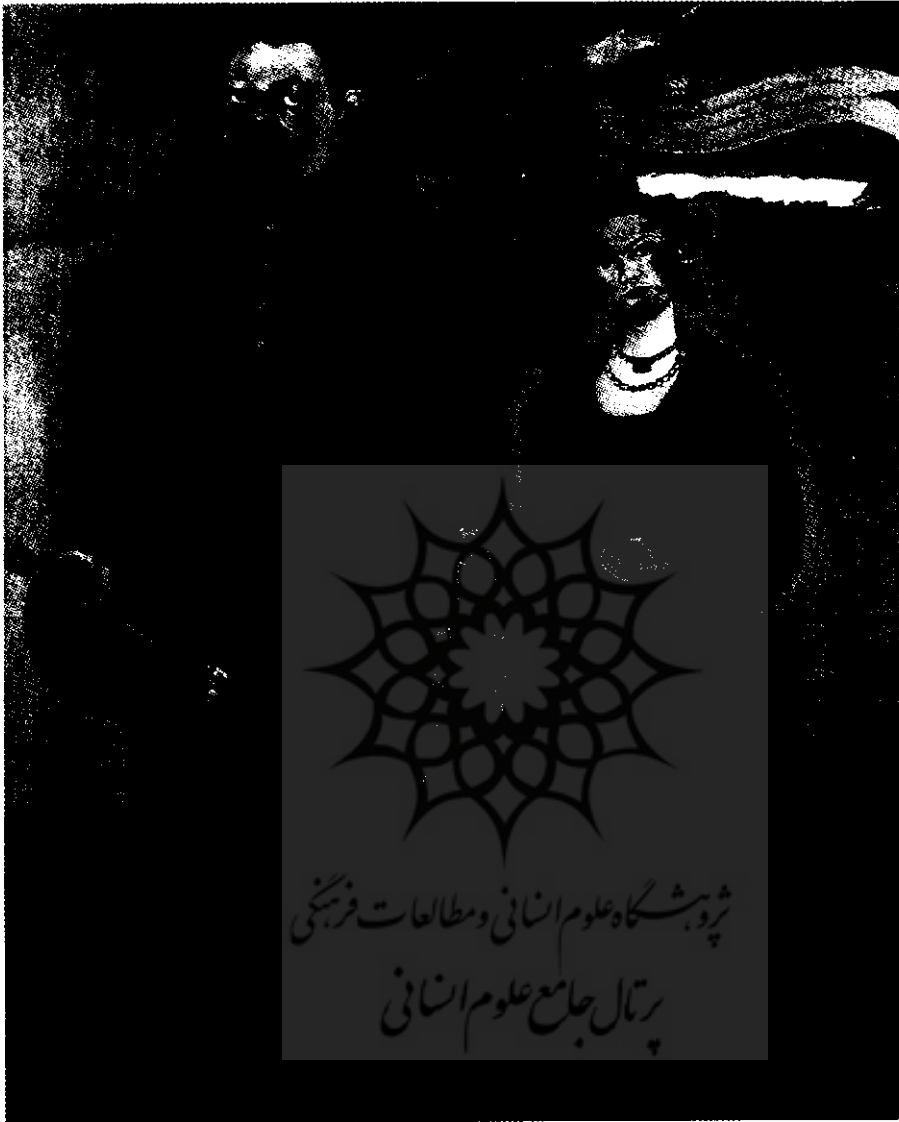


شده که عده‌ای او را جزو هنرمندان فمینیست و یا به نوعی سردمدار آن تلقی کنند. آن چنان که در دسامبر سال ۱۹۷۶، نمایشگاهی در موزه هنر ایالت لس آنجلس آمریکا برپا می‌شود و آفرینش‌های هنری زنان در حد فاصل سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۵۵۰ به نمایش گذاشته می‌شود و آثار فریدا کالو نیز در آنجا به چشم می‌خورد.

تمامی این قضاوت‌ها در مورد آثار او صادق است. چرا که همه آنها به گوشه‌ای از واقعیات زندگی کالو اشاره می‌کنند، به هر حال او هنرمندی تک‌بعدی نیست و در زندگی با دغدغه‌های گوناگونی روبه‌رو بود: درد جسمی حاصل از بیماری و تصادف اتومبیل، رنج روحی حاصل از خیانت‌های همسر، اعتقاد او به مضامین قومی و بومی و سنت‌های مکزیکی، درگیری‌های سیاسی و اعتقادی‌اش، همه این‌ها عواملی است که در آثار او دیده می‌شود و قضاوت درباره او را مشکل می‌سازد.

آن‌چه که باعث شد فریدا کالو نقاشی مهم جلوه کند و یا به زبانی دیگر چیزی که باعث پیشرفت جدی نقاشی نزد او شد، بیماریش بود.

آثار او شامل ۲۰۰ نقاشی می‌باشد که بیشتر آنها چهره خود کالو است. تا قبل از آشنایی با دیگو ریورا او بیشتر نقاشی خود آموخته بود و پس از برخورد با او بود که



دیگوریورا، نقش استاد و معلمی بزرگ برای او یافت و در پیشرفت کیفیت کارش نقش به سزایی داشت. هر چند کالو نیز مانند اکثر نقاشان دیگر، پس از مرگش اهمیت زیادی پیدا کرد. در حقیقت وجهه بین‌المللی او در دهه ۱۹۷۰ شروع شد زمانی که آثارش در میان آمریکای لاتینی‌های ساکن ایالات متحده، هواداران خاصی پیدا کرد. فریدا کالو به دیگر هنرمندان نیز کمک کرد تا بتوانند مهارت‌های خاص خودشان و افکارشان را روی بوم بیاورند. او به شاگردانش کمک کرد تا ارزش میراث مکزیکی را بدانند و بتوانند با آن خود را مطرح کنند. از جمله هنرمندانی که او بر آنها تأثیر گذاشته می‌توان به هکتور گارسیا Hector Garcia، ادوارد دوستون Edward Duston و ایموگن کاینیگهام Emogen



Kaningham اشاره کرد.

پس از مرگش موزه‌ای از آثار او برپا شد تا آثارش را به نمایش عمومی بگذارند و مردم هنوز آنجا جمع می‌شوند تا او را تقدیر کنند. در مراسم تشییع او، آخرین ابراز احترامشان این بود: «ای دوست، ای خواهر مردم و ای دختر بزرگ مکزیک، تو هنوز بین ما زنده‌ای.» هنگام مشاهده آثار کالو نکات مشترکی در آنها دیده می‌شود که در اینجا بهتر است قبل از پرداختن به خود آثار به آنها پردازیم و با دسته‌بندی آنها، هنگام مشاهده آثار دید روشن‌تری پیدا کنیم. دسته اول اشتراکات محتوایی آثار است و دسته دوم اشتراکات تکنیکی فنی کار.

اشتراکات محتوایی:

- ۱- اکثر کارهای کالو ترکیبی از تصورات رویاگونه است که با واقعیت ترکیب یافته است.
- ۲- یکی از مسائلی که در آثار کالو به چشم می‌خورد دو جنبه‌ای بودن مسائل است و تضادی که آنها به‌طور طبیعی با هم دارند مانند طبیعت و اجتماع، زندگی و مرگ، زن و مرد، تیرگی و روشنایی که در اکثر آثار او یافت می‌شوند.
- ۳- درون‌گرایی عمیق او مسئله مهم دیگری است که به وضوح در آثار کالو دیده می‌شود.
- ۴- به شخصیت کالو مکرراً توجه می‌شود. نه به عنوان موضوعی برای جلب احترام یا ایجاد هیبت و ترس بلکه به عنوان مظهر دوگانگی‌های معاصر.
- ۵- اقتباس از عناصر هنر مردمی مکزیک. فرم سنتی هنر مکزیک "retablo" نام دارد که به‌گونه‌ای ظریف

نقاشی می‌شود. این تم هنری در اغلب کارهای کالو دیده می‌شود، هر چند که او این تم معمول را دگرگون و اصلاح می‌کند و آن هویت فرهنگی را با نوعی زیبایی مرموز ترکیب می‌کند و در اثر می‌آورد.

۶- در اغلب آثار او حالتی از بیانگری به چشم می‌خورد. بیان و ابراز درد و رنجی که او با آن نزدیک بوده تابلوی «دیگوو من» این موضوع را نشان می‌دهد.

اشتراکات تکنیکی و فنی آثار

۱- بسیاری از آثار او نقاشی‌های کوچکی هستند که گاهی بسیار ظریف و با دقت و توجه زیاد اجرا شده‌اند.

۲- گاه یک نوشته یا متن درون اثر دیده می‌شود.

۳- استفاده از رنگ‌های درخشان و شفاف نکته مهمی است. هر چند می‌توان این نکته را درون اشتراک محتوایی قرار داد چرا که این سنت «هنر قومی» مکزیک می‌باشد.

حال با دانستن و فرض گرفتن این کلیات به بررسی و تحلیل چند اثر از این هنرمند می‌پردازیم.

تحلیل آثار

در تابلوی «فریدا و دیگوریورا» ریسورا به عنوان استاد بزرگ معرفی شده است و فریدا مانند همیشه دامن مکزیکی بلندی به تن دارد. در اینجا او به عنوان همسری دوست داشتنی معرفی شده هر چند که در چهره ریورا حالتی ناشی از عدم رضایت و تملک دیده می‌شود. پرنده‌ای در گوشه تصویر وجود دارد که بر چسبی را با خود حمل می‌کند. و این برچسب شامل متنی است که فریدا به دوستش نوشته است.

استفاده از رنگ‌های درخشان، لباس سنتی فریدا و روبانی که بر سرش بسته، بستگی او به سنت‌های مکزیکی را نمایان می‌کند. این تصویر دو سال بعد از ازدواجشان کشیده شده است.

در اثری با عنوان پرتره شخصی بین مرز مکزیک و

آمریکا، سال ۱۹۳۲ اندازه ۱۱/۳۴۱۳/۲ اینچ نقاشی رنگ روغن روی بوم مجموعه آقا و خانم مانوئل ریرو (Manule Reyero) فریدا در حالی که لباس سنتی مکزیک را پوشیده و پرچم کشورش را در دست دارد، مشاهده می‌شود. پرچم آمریکا در پشت سر او دیده می‌شود که در میدان دود حاصل از تولید کارخانه‌ها احاطه شده (فریدا از فرهنگ آمریکا بیزار بود).

نکته بسیار مهم این تصویر همان اشاره به دو جنبه‌ای بودن زندگی می‌باشد که به خوبی در این اثر تصویر شده است. جمع بین خورشید و ماه، تکنولوژی و سنت، تیرگی و روشنائی، فریدا خود را در بند این تضادهای می‌بیند در حالی که او خود روشنائی و سنت را انتخاب می‌کند. (رنگ لباس و پرچمی که در دست دارد.)

تصویر دوفریدا در زمان جدایی از دیگو کشیده شده است. دو فریدای یک شکل ولی متفاوت روی نیمکتی نشسته‌اند. قلب آنها از توی سینه‌اشان بیرون آورده شده گویی هویت فریدا شکافته شده است. فریدای اصیل و سنتی دستانش را دست فریدای امروزی قرار داده تا تنها نباشد او به فریدای اصیل مکزیکی با روح پاک و سفیدش نیاز دارد در دنیایی که پر از طوفان و تلاطم است.

در تابلوی «پرتره شخصی با موهای قیچی شده»، فریدا روی صندلی چوبی ساده‌ای نشسته است و لباس مردانه‌ای به رنگ خاکستری به تن دارد. در اطراف او تکه‌های زیادی از مو دیده می‌شود. تکه موسیقی که در بالای سر او دیده می‌شود این مضمون را دارد: «نگاه کن اگر من عاشق تو شدم، برای موهایت بوده است. حالا که تویی بر شده‌ای، من دیگر تو را دوست ندارم.»

این نقاشی در زمان جدایی او از دیگو تصویر شده است. به سادگی می‌توان به عمق معنای این تصویر پی

برد. فریدا نمی‌تواند به علت بیماریش فرزندی داشته باشد، او موهایش را قطع می‌کند و به لباس مردان درمی‌آید تا شاید این‌گونه نجات و خلاصی یابد از چیزی که دیگران از او در قالب یک زن انتظار دارند اما او قادر به انجامش نیست. لباس او تیره است زمین همواره قرمز است. همان که هویت او را از او ربوده است.

این دو پرتره نگران و غمگین، درد و رنج کالو را نشان می‌دهد. هنگامی فریدا این تابلو را نقاشی کرد که دیگو قصد ازدواج با هنرپیشه معروفی با نام «ماریا فلیکس» Maria Félix را داشت، هر چند که این قصدی نتیجه ماند اما فریدا به خوبی درد و اندوهش را هم با حالت گرفته چهره و هم با قطرات اشک بیان کرده است.

قرار دادن چهره دیگو در میان پیشانی، نشانه احترام و علاقه فریدا به او می‌باشد. دیگو دارای سه چشم می‌باشد. چشم سوم او هم به جایی دیگر خیره شده است. انگار او توجهی به فریدا ندارد.

دیگو درست در میانه پیشانی قرار دارد جایی که جای چشم سوم فریدا می‌باشد. دیگو پیراهنی قرمز به تن دارد و نوشته تصویر نیز قرمز است و قطراتی از آن ریخته شده است. فریدا با رنگ خون در زندگی اش زیاد روبه‌رو شده است.

حاصل کلام

پس از بررسی زندگی و آثار فریدا کالو، حال می‌توان با دیدی کامل‌تر راجع به او قضاوت کرد. همان‌طور که او جنبه‌های مختلف و متفاوتی را در بردارد. کار او جنبه‌های سوررئالیستی واضحی دارد اما او خود این را نمی‌پذیرفت. در اینجا باید قضاوت هررا Herrera درباره او را بپذیریم که فریدا کالو را بیشتر کاشف سوررئالیسم می‌داند تا یک سوررئالیست واقعی. به هر حال کالو در زندگی‌اش حوادث متفاوتی را پشت سرگذاشته و همه آنها نیز به نحوی در آثارش

دیده می‌شود. می‌توان او را در زمان خود در مقایسه با دیگر هنرمندان، هنرمندی آوانگارد و مترقی نامید. او بخشی از مکزیکی نوین بود. هنرمندی با پشتوانه انقلابی که حال سال‌های پس از انقلاب را تجربه می‌کرد. او در تمامی آثارش به میراث مکزیکی وفادار بود و هیچگاه تحت تأثیر نفوذ هنر آمریکایی و اروپایی که در آن زمان شایع بود، قرار نگرفت.

پی‌نوشت:

* - تصاویر کوچکی هستند که زاهدان و پارسایان بر کلیساهای مکزیکی پیشکش می‌کردند.

منابع:

- 1- Drucker, Frida Kahlo: Torment and Triumph in her life and Art, New York, 1991.
- 2- Hamill, Pete, Digo Rivca, Hassy N. Abrams, INC Publishers, New York, 1999.
- 3- Herrera, Frida: Her life, Her art New York, 1981.
- 4- Herrera, Frida: A Biography of Frida Kahlo, New York, 1983.
- 5- Herrera, Frida Kahlo: The paintings, London, 1991.
- 6- Mulvey and others, Frida Kahlo and Tina Modotti, London, 1982.

دائرة المعارف‌ها

- ۱ - پاکباز، رویین، دائرة المعارف هنر، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲ - مرزبان، پرویز، فرهنگ مصور هنرهای تجسمی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۱.

اینترنت

- 1- www.Artist profiles.Frida kahlo
- 2- www.Frida by kahlo.com
- 3- www.frida kahlo Largest files
- 4- www.frida Musuem.com
- 5- www.kahloBiography.com